اقتصاد: درآمدها توزیع برابر یا نابرابر

شمیرانی، ماندانا

مقدمه

امروزه ساده‏ترین معیار ارزیابی‏ عملکرد و رفاه اقتصادی جوامع،بررسی‏ تغییرات درآمد ملی است.در این میان‏ کشورهای در حال توسعه بیش از سایر کشورها بر رشد سریع درآمد ملی تاکید دارند.با این وجود،با افزایش سطح توسعه‏ یافتگی و پیشرفتهای اقتصادی رفته‏رفته‏ از تاکید بر استراتژی رشد سریع اقتصادی‏ کاسته شده و در عوض استراتژی توسعه‏ اقتصادی همراه با توزیع متعادل و متناسب‏ ثروت و درآمد مورد توجه قرار گرفته است، چراکه افزایش درآمد ملی به خودی خود نمی‏تواند به عنوان امری مطلوب تلقی‏ شود.در کنار بررسی رشد درآمد ملی، همواره لازم است به دو نکته مهم دیگر توجه شود.نکته اول اینکه ارقام نشانگر رشد چگونه محاسبه و از کجا تامین‏ شده‏اند؟بررسی تغییرات ارقام‏ مذکور بدون در نظر گرفتن میزان تورم‏ و رشد شاخص بهای کالاها و خدمات‏ مصرفی از یکسو و نادیده گرفتن نرخ‏ رشد جمعیت از سوی دیگر می‏تواند نتایج‏ گمراه کننده‏ای ارائه دهد،چراکه ارقام‏ جاری درآمد ملی به‏طور مستقیم تحت‏ تاثیر قیمتها بوده و با وجود تورم همواره‏ بیش از درآمد ملی واقعی محاسبه‏ می‏شوند،در عین حال،نرخ مثبت رشد جمعیت نیز می‏تواند اثرات رشد درآمد ملی را در جامعه کمتر سازد.البته این‏ دو مشکل را می‏توان به سادگی و با به کار بردن ارقام مربوط به درآمد ملی به‏ قیمتهای ثابت(خرج کردن اثرات تورمی‏ از رشد درآمد ملی جاری)و محاسبه ارقام‏ سرانه(تعدیل اثرات افزایش جمعیت)رفع‏ نمود.نکته دوم اینکه حتی به فرض وجود رشد واقعی درآمد سرانه،توزیع این‏ درآمدها بین افراد جامعه چگونه بوده‏ است؟روشن است که توزیعی که به عنوان‏ نمونه هشتاد درصد درآمد جامعه را نصیب بیست درصد اعضای آن کند نه‏ تنها عادلانه نخواهد بود،بلکه موجب‏ پیدایش فاصله طبقاتی بیشتر و ناهمگونی‏های اقتصادی در بافت‏ جمعیتی و به دنبال آن منجر به سایر ناهنجاری‏های اجتماعی و حتی گاه‏ سیاسی خواهد شد.

چندی است در ایران نیز همانند برخی‏ کشورهای دیگر مسئله توزیع درآمدها و ثروت در جامعه بیش از پیش مورد توجه‏ قرار گرفته است.چنانکه برنامه‏ریزان ملی‏ اکنون درصدد تعریف،محاسبه و تعیین‏ فقر( Poverty Line )هستند تا بدین‏ وسیله قادر باشند در آینده سیاستهای‏ مناسبی در جهت کاهش نابرابری توزیع‏ درآمدها کاهش شدت فقر در جامعه اتخاذ نمایند.

توزیع نابرابر درآمدها یا فقر

پیش از هر چیز لازم است بین نابرابری‏ توزیع درآمد و فقر تمایز قایل شد.فقر در حقیقت یکی از مهمترین پیامدهای‏ نابرابری توزیع درآمدها میان افراد جامعه‏ و نشان‏دهنده عملکرد ناصحیح سیستم‏ توزیع درآمدها و ثروت در درون بافت‏ جمعیتی و ساختار اجتماعی-اقتصادی‏ جامعه است.بدین ترتیب،ابزارهای‏ تشخیص و اندازه‏گیری این دو مورد نیز با یکدیگر تفاوت دارند.در اینجا بدون آنکه‏ لازم باشد به مباحث فنی و آماری وارد شدیم می‏توان از شاخصهای متعدد فقر نام برد.

در این مقاله ضریب جینی( Gini ) و حد اکثر شکاف درآمدی که از ساده‏ترین‏ شاخصهای نابرابری توزیع درآمد و فقر هستند طی سالهای 1360 تا 1370 در ایران مورد بررسی قرار می‏گیرد.

تحلیل ضریب جینی

از نظر آماری ضریب جینی عبارت است‏ از نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمدهای‏ مورد بررسی به حد اکثر اندازه نابرابری‏ توزیع درآمدی ممکن در یک توزیع‏ درآمدی کاملا ناعادلانه.از نظر ترسیمی‏ ضریب جینی از تقسیم مساحت منطقه‏ تمرکز درآمدی(سطح بین منحنی‏ لورنز توزیع درآمد جامعه مورد بررسی و خط برابری کامل توزیع درآمد)بر مساحت مثلث زیر خط برابری کامل توزیع درآمد بدست می‏آید.

درآمد سرانه به‏ قیتمهای ثابت سال 1361،طی سالهای‏ 1360 تا 1362 به‏طور متوسط 7/8 درصد افزایش یافته است اما در کنار این مطلب‏ ضریب جینی در کل کشور از سال 61 به‏ 62 افزایش پیدا کرده است.

به عبارت دیگر به موازات بالا رفتن‏ سطح درآمدهای سرانه،توزیع این‏ درآمدهای در میان افراد جامعه نامتعادل‏تر و ناعادلانه‏تر شده است.بدین ترتیب، نمی‏توان اظهار کرد که وضعیت اقتصادی‏ افراد جامعه طی این سالها بهبود یافته‏ است.

از سال 1363 روند نزولی تغییرات درآمد سرانه به قیمتهای ثابت آغاز می‏شود که‏ تا سال 1367 همچنان ادامه می‏یابد. شدیدترین رشد منفی در این دوره سال‏ 1365 است که طی آن درآمد سرانه به‏ میزان 7/20 درصد سقوط می‏کند.ضریب‏ جینی نیز در سالهای 63 و 64 حدود 2/0 درصد کاهش می‏یابد و به عبارتی‏ می‏توان گفت در کنار کاهش درآمد سرانه‏ ثابت،از عدم تعادل توزیع درآمدها به‏ میزان اندکی کاسته شده است،اما بحرانی‏ترین وضعیت را سال 1365 می‏توان دانست.چنانکه گفته شد در این‏ سال درآمد سرانه به قیمتهای ثابت 7/20 درصد کاهش یافت،در چنین زمانی‏ ضریب جینی هم افزایش یافته است به‏ بیان دیگر،طی سال 1365 نه‏تنها سطح‏ درآمد سرانه به شدت سقوط کرده.بلکه‏ آنچه هم که بوده به‏طور نامتعادل‏تر (و ناعادلانه‏تر)میان افراد جامعه توزیع‏ شده است و این نشان می‏دهد نسبت‏ سهم افراد با درآمد بالا به سهم افراد کم‏ درآمد به شدت افزایش یافته است.از این‏ سال به بعد ضریب جینی همچنان سال‏ به سال کاهش می‏یابد و تنها در سال‏ 1368 است که توزیع درآمدها نسبت به‏ سال گذشته تا حدودی ثابت مانده است. در سالهای 68 و 66 درآمد ملی سرانه به‏ قیمتهای ثابت نیز از رشدی مثبت بر خوردار بوده است.در این سال‏ (1369)علاوه براینکه درآمد سرانه‏ نسبت به سال گذشته 5/10 درصد افزایش یافته است،ضریب جینی نیز به‏ کمترین میزان خود طی دهه 60 می‏رسد. اما با این وجود،به رغم رشد 9 درصدی‏ درآمد سرانه سال 70،ضریب جینی دوباره‏ افزایش یافته و ظاهرا روند توزیع‏ نامتعادل درآمدها از سر گرفته شده است.

تحلیل‏ حد اکثر شکاف درآمدی

از نظر هندسی فاصله بین منحنی لورنز و خط برابری کامل توزیع درآمد در سطح‏ میانگین درآمد جامعه به حد اکثر خود می‏ رسد این فاصله به حد اکثر شکاف درآمدی‏ موسوم است.(4)به عبارت دیگر،حد اکثر شکاف درآمدی نشان می‏دهد که اگر سطح درآمدها میانگین درآمدهایی باشد که افراد جامعه دریافت می‏کنند،توزیع در آمدها در جامعه مذکور به چه میزان‏ از توزیع کاملا عادلانه و برابر انحراف دارد (یا تا چه اندازه‏ای ناعادلانه است).

طی‏ سالهای 60 تا 62 که درآمد سرانه به‏ قیمتهای ثابت افزایش یافته،حد اکثر شکاف درآمدی نیز بیشتر شده است. بنابراین دور از واقعیت نخواهد بود که گفته‏ شود به‏رغم افزایش درآمد سرانه وضع‏ اقتصادی کل افراد جامعه لطمه دیده است.

طی دوران روند نزولی درآمد سرانه‏ (سالهای 1363 تا 1367)به غیر از سال‏ 1365،حد اکثر شکاف درآمدی نیز همواره‏ نزولی بوده است.در سال 65 همواره با سقوط شدید درآمد سرانه به قیمت‏های‏ ثابت،حد اکثر شکاف درآمدی نیز به‏ بیشترین حد خود در این دهه می‏رسد.از سال 68 تا 69 به موازات افزایش درآمد از حد اکثر شکاف درآمدی دوباره کاسته‏ می‏شود،اما در سال 1370 بار دیگر با افزایش درآمد سرانه به قیمت‏های ثابت‏ حد اکثر فشار درآمدی تغییر روند داده‏ و افزایش می‏یابد.

مقایسه تحلیل ضریب جینی‏ با حد اکثر شکاف درآمدی

چنانکه دیده می‏شود تحلیل ضریب‏ جینی و تحلیل حد اکثر شکاف درآمدی‏ نتایج بسیار نزدیکی ارائه کرده‏اند.به‏طور کلی می‏توان گفت هنگامی که درآمد سرانه به قیمتهای ثابت طی سالهای‏ 1360 تا 1362 افزایش می‏یابد.هر دوی‏ این شاخص‏ها نیز افزایش پیدا می‏کنند و نشان می‏دهند که به‏رغم افزایش سطح‏ درآمدها،توزیع بین افراد جامعه‏ نامتعادل‏تر شده است که این خود از ارزش‏ اجتماعی افزایش درآمد سرانه می‏کاهد.

به همین ترتیب،طی سالهای 1363 تا 1367 که درآمد سرانه به قیمت ثابت‏ همواره دچار کاهش بوده،هر دو ضریب‏ جینی و حد اکثر شکاف درآمدی نیز کاهش‏ یافته‏اند.البته به غیر از سال 1365 که در کنار سقوط شدید درآمد سرانه هر دو شاخص مذکور افزایش نسبتا زیادی پیدا کردند،به‏طوریکه می‏توان گفت سطح‏ درآمدی افراد با درآمدهای بالا و افراد کم‏ درآمد به شدت از یکدیگر دور شده است، چنانکه نسبت سهم ده درصد ثروتمندترین‏ به سهم ده درصد فقیرترین گروه‏های‏ درآمدی به‏طور بی‏سابقه‏ای به بالاترین‏ حد خود یعنی 78/29 طی سالهای 1360 تا 1370 رسید.به بیان دیگر ثروتمندان‏ ثروتمند و گروههای کم درآمدتر،فقیرتر شدند.از سال 1368 که درآمد سرانه به‏ قیمت ثابت تغییر جهت می‏دهد و به‏ آرامی شروع به افزایش می‏کند،و شاخص‏ مذکور تقریبا ثابت باقی می‏مانند و در حالیکه طی سال 1369،درآمد سرانه‏ حدود 5/10 درصد افزایش می‏یابد،این‏ شاخصها همچنان به کاهش ادامه می‏دهند و هر دو به کمترین مقدار خود طی‏ دهه مورد مطالعه می‏رسند.این بدان‏ معناست که به موازات افزایش درآمد سرانه،توزیع این درآمدها نیز بین افراد جامعه متعادل‏تر شده است.بدین ترتیب‏ سال 1369 را می‏توان نقطه مقابل سال‏ 1365 دانست.با این حال بار دیگر در سال‏ 1370 با بالا رفتن درآمد سرانه،هر دو ضریب جینی و حد اکثر شکاف درآمدی‏ نسبت به سال گذشته افزایش نشان‏ می‏دهند.

نتیجه‏گیری و پیشنهادها

از بررسی‏های فوق می‏توان نتیجه‏ گرفت که به‏طور کلی دوره‏های رشد مثبت درآمد سرانه به قیمتهای ثابت،با افزایش شاخصهای نابرابری توزیع درآمد همراه بوده است.به همین ترتیب، سالهایی هم که دچار کاهش درآمد سرانه‏ به قیمتهای ثابت بوده‏اند.شاخص‏های‏ مذکور نابرابری کمتری در توزیع درآمد نشان داده‏اند.(البته به غیر از سال 1365 که با کاهش شدید درآمد سرانه و افزایش‏ شاخصهای نابرابری همراه بود و سال‏ 1369 که در کنار رشد مثبت درآمد سرانه، شاخصهای بررسی شده به کاهش ادامه‏ دادند.)

اینکه چرا در بیشتر سالها بین رشد درآمد سرانه به قیمتهای ثابت‏ و شاخصهای نابرابری توزیع درآمدی که‏ در اینجا مورد بررسی قرار گرفته‏اند،رابطه‏ مثبت و هم‏جهتی وجود داشته و اینکه‏ چرا در سال 1365 وضعیت درآمد سرانه‏ و چگونگی توزیع این درآمدها بحرانی‏ شده و سیاستهای اقتصادی-اجتماعی‏ دولت و همچنین اوضاع سیاسی در این‏ زمان چه بوده‏اند،و نیز اینکه چه عواملی‏ موجب پیدایش وضعیت سال 1369-که‏ در مقایسه به بحران سال 1365 می‏توان‏ آنرا از جهتی سال رونق و بهبود روند رشد و توزیع درآمدها دانست-شده‏اند، نکات قابل بحث و جالبی هستند و لازم‏ است مورد بررسی عمیقتر و دقیقتر قرار گیرند که البته از حوصله این مقاله خارج‏ است.

اما آنچه که باید بدان توجه کرد آن است‏ که در هر بررسی تنها به یک الگو نباید اکتفا کرد،چه بسا کاربرد الگوهای مختلف‏ نتایج متفاوت و حتی گاه متضادی ارائه‏ دهد.علاوه بر این درحالیکه هنوز هر سازمان یا وزارتخانه به‏طور جداگانه‏ نسبت به تهیه و برآورد آمار و ارقام مبادرت‏ می‏ورزد-و نتایج نه کاملا مشابهی ارائه‏ می‏دهند،لازم است تعریف جامع و پایه‏ای برای هر متغیر اقتصادی ارائه شود. در بررسی تغییر درآمدها و چگونگی توزیع‏ آنها میبایست ابتدا درآمد را از نظر منابع‏ تامین آن،دوره زمانی و نیز دریافت‏کنندگان آن به روشنی تعریف‏ کرد.اما مسأله به همین جا ختم نمی‏شود، در کنار این مطلب لازم است مسأله فقر نیز به درستی شناخته شود.تنها از روی درآمد مطلق نمی‏توان-و نباید-فقر را تعریف‏ کرد.بنابراین دولت می‏باید در کنار توجه‏ به سطوح درآمدی در تعیین خط فقر، حد اقل احتیاجات زیستی-اجتماعی را(از قبیل تغذیه و تامین حد اقل کالری روزانه، بهداشت،آموزش،مسکن و...)که باید توسط همان درآمدها تامین شوند،همواره‏ در نظر گیرد.بررسی و مقایسه وضعیت‏ شهری و روستایی و توجه به سبد هزینه‏های مصرفی نیز می‏تواند مزیت‏ استفاده از قاعده هدف‏گیری مشخص‏ ( THE SPECIFIC TARGETING )را فراهم آورد تا با شناخت دقیق‏ نارسایی‏های سیستم،سیاستهای‏ مشخص و دقیقی به مورد اجرا گذارده‏ شوند که هم بتوانند بیشترین اثر را در رفع‏ مشکل داشته باشند و هم از اتخاذ سیاستهای کلی-که در بیشتر موارد پرهزینه هستند و به مراتب اثر ضعیف‏تری دارند-جلوگیری نمایند.

پی‏نوشتها:

(1)خط قرمز به‏طور مطلق،مقدار درآمدی است که برای تامین حد اقل‏ نیازهای ضروری افراد لازم است و یا حد اقل شرایطی(مانند حد اقل فضای‏ مسکونی،حد اقل سطح تحصیلات و...) است که عدم تامین آن موجب می‏شود فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود.اما به‏طور نسبی خط فقر را می‏توان مزر درآمدی دانست که درصد معینی از افراد جامعه پائین‏تر از آن قرار می‏گیرند.بنابراین انتخاب خط فقر نسبی‏ موجب می‏شود که همیشه فقیر در جامعه‏ وجود داشته باشد.

(2)اگر به‏طور ساده نسبت تجمعی‏ دریافت‏کنندگان درآمد براساس میزان‏ درآمد به ترتیب صعودی بر محور افقی‏ و نسبت تجمعی درآمد دریافت شده‏ توسط افراد بر محور عمودی یک چهار ضلعی مشخص شده باشد،هر نقطه‏ از منحنی لورنز سهمی از کل درآمد جامعه‏ را نشان می‏دهد که توسط درصدی از افراد جامعه که دارای مقدار معینی درآمد و یا کمتر از آن هستند،دریافت شده است.

به عنوان نمونه،نقطه A نشان می‏دهد 20 درصد اول افراد،کمتر از 20 درصد درآمد جامعه را کسب می‏کنند،درحالیکه خط برابری کامل حاکی از توزیع درآمد کاملا عادلانه و برابر است.

(3)ضریب جینی نسبت مساحت‏ قسمت هاشور خورده به مساحت مثلث زیر خط برابری است.مساحت مثلث مذکور حد اکثر میزان نابرابری را نشان می‏دهد که تمام درآمد جامعه نصیب یک نفر شده‏ است.حد اکثر نابرابری همیشه 5/0 است، بنابراین اندازه ضریب جینی دو برابر مساحت منطقه تمرکزی درآمدی توزیع‏ مورد بررسی می‏باشد.

لازم به ذکر است که این اواخر برخی از آمار ارقام ملی و از جمله ضریب جینی برای‏ سالهای اخیر تنها به صورت گزارشهای‏ خاص در بعضی سازمانها منتشر شده‏اند.

(4)باتوجه به شکل پی‏نوشت شماره‏ (2)حد اکثر فاطله منحی لورنز و خط برابری کامل در سطح میانگین درآمد جامعه حد اکثر شده است و با خط MN (حد اکثر شکاف درآمدی)نشان داده شده‏ است.

منابع:

1-ارقام درآمد سرانه به قیمتهای‏ ثابت:بانک مرکزی جمهوری اسلامی‏ ایران،حسابهای ملی ایران‏ 1369-1353،اداره حسابهای اقتصادی‏ آذر 1373

2-ضریب جینی و حد اکثر شکاف‏ درآمدی سالهای 61 تا 68:مرتضوی، محمدباقر،"شاخصهای نابرابری توزیع‏ درآمد در کل کشور،مناطق شهری‏ و مناطق روستایی سالهای 68-1361"، مدیریت آمارهای مالی و محاسبات ملی، مرکز آمار ایران،اسفند 1369

3-ضریب جینی و حد اکثر شکاف‏ درآمدی سال 69،70:مرکز آمار ایران،دفتر حسابهای اقتصادی

4-تعاریف فنی:ابو الفتحی قمی، ابو الفضل،"درآمدی بر شناخت شاخصهای‏ نابرابری درآمد و فقر"مرکز آمار ایران، تیر 1371